

سرمقاله

چنانچه وفات ابن سینا در سال ۴۲۹ رخ داده باشد، امسال هزارهٔ وفات اوست. بی‌تردید ابن سینا یکی از بزرگ‌ترین فیلسوفان و عالمان تاریخ است: شاید مرتفع‌ترین قلّه حکمت مشاء پس از ارسطو، که در پایان عمر خواست طرحی نو دراندازد و مکتبی جدید، با نام حکمة المشرقیین، تأسیس کند، اما مهلت نیافت. گویا ذهن منطقی و استدلالی ابن سینا باعث شد که او در میان تمام فیلسوفان مقدم بر خود، بیشتر با ارسطو هم‌زبان شود و خود را به او نزدیک‌تر احساس کند. اما این هم‌زبانی، او را از اجتهاد محققانه برای برگرفتن آنچه که از آرای ارسطو متین و استوار و درست می‌یافت، و وانهادن آنچه که سست و ضعیف و نامقبول می‌دید، بازداشت. ابن سینا که یک مسلمان تمام‌عیار بود تمام استعداد و هوش سرشار خود را به کار گرفت تا حقایق فلسفی مورد نظر خود را با آموزه‌های اسلام و حقایق ایمانی، چون شیر و عسل بیامیزد و فلسفه‌ای پدید آورد که از یک‌سو همسایهٔ فلسفهٔ یونانی است و از سوی دیگر سازگار با تعالیم و حیانی اسلام. و این کار سترگ او در مقام یک فیلسوف مسلمان بود. تحقیقات فلسفی او بسیاری از حوزه‌های فلسفی را پوشش داده است، از متافیزیک و نفس و منطق گرفته تا اخلاق و سیاست؛ هرچند بخش معظم آثار بازمانده از وی به سه حوزهٔ نخست تعلق دارد. ابن سینا تنها در تحقیقات فلسفی درخشان نبود؛ نحوهٔ تقریر او از آراء فیلسوفان پیش از خود نیز خیره‌کننده است. کافی است متافیزیک ارسطو را با الاهیات شفاء مقایسه کنیم تا عظمت کار او را دریابیم.

عجاب ما از ابن سینا آن گاه بیشتر می شود که به یاد آوریم او بر خلاف ارسطو از این توفیق بی نصیب بوده است که سال ها محضر درس و بحث فیلسوف بزرگی چون افلاطون را درک کند، و بیشتر یک فیلسوف خودخوانده است. تحقیقات و تألیفات او در شاخه های مختلف ریاضیات و پزشکی را نیز باید به تأملات و نگارش های فلسفی او بیفزاییم تا چهره واقعی او را با وضوح بیشتر ببینیم. با وجود این، اگر فی المثل او را با اکویناس مقایسه کنیم، متأسفانه خواهیم دید که در سده های اخیر یکی از نابختیارترین فیلسوفان نیز بوده است؛ چرا که برخلاف کسی چون اکویناس، همولایتی های قابلی نداشته است که زوایا و لایه های تفکر و تفلسف پر بار او را بکاوند و بازخوانی کنند. روشن است که ایده های پرفروغ، اما مغفول مانده او در حوزه های مختلف فلسفی از متافیزیک و نفس و منطق تا اخلاق و سیاست، سخت نیازمند بازخوانی و صورت بندی جدید است.

شهر اصفهان، افتخار دارد که در طول تاریخ، میزبان برجسته ترین فیلسوفان تاریخ اسلام بوده است، از ابن مسکویه و ابن سینا گرفته تا میرداماد و میرفندرسکی و ملاصدرا و سیزواری. ابن سینا چندی از عمر درخشان خود را در این شهر گذرانده، و اکنون مدرّس و احتمالاً مدفن او یکی از نگین های این مدینه است، هر چند غبار گرفته! بدین مناسبت شعبه دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم در اصفهان، به ریاست برادر ارجمند حجت الاسلام و المسلمین زاده هوش، بر آن شد که یک شماره از مجله اخلاق را به بازخوانی فلسفه اخلاق سینوی و موضوعات مرتبط با آن اختصاص دهد و این ناچیز را دعوت به همکاری کرد. ما نیز گستاخانه قصد رفتن راهی نرفته و نکوفته کردیم. در خیال خود خواستیم جمعی از نویسندگان صاحب نام را گرد آوریم و آسوده دل در انتظار مجموعه مقالاتی درخور خواندن و اندیشیدن در باب فلسفه اخلاق ابن سینا باشیم، اما خود خطا بود آنچه ما پنداشتیم. قصه دراز است و وقت کوتاه و اهل فن آگاه؛ پس لاجرم درمی گذریم. در نهایت، جز چند نام آشنای

این میدان، جمعی از پژوهندگان جوان بودند که ما را در این راه یاری دادند و اکنون مفتخریم که دفتری قابل اعتنا به پیشگاه اهل نظر تقدیم می‌کنیم.^۱

مقالات این دفتر در دو بخش کلی جای گرفته است: مقالات ویژه ابن سینا و مقالات به اصطلاح ما یاور. مقالات بخش نخست، خود به سه دسته تقسیم می‌شود: (۱) مقالات اختصاصی فلسفه اخلاق ابن سینا که هشت مقاله را در خود جای داده است: هفت مقاله، در ارتباط با فرا - اخلاق سینوی و یک مقاله در ارتباط با اخلاق هنجاری وی؛ (۲) مقالات پیرامونی که به دو موضوع رابطه اخلاق و سیاست از نظر ابن سینا و سیره اخلاقی او پرداخته است؛ و (۳) مقالات تاریخی که خواننده را با زمینه و بافت تفکر اخلاقی در جهان اسلام آشنا می‌سازد. سه مقاله بخش دوم، خواننده را با موضوعاتی آشنا می‌کند که برای شناخت بیشتر ابن سینا بسی مفید است. چنان که می‌دانیم و در بخش نخست نیز ملاحظه خواهید کرد، مخالفان فرا - اخلاق ابن سینا او را متهم به نسبی‌گرایی و شکاکیت اخلاقی می‌کنند. دو مقاله از مقالات بخش دوم، که ساختاری دایرةالمعارفی دارد و دربردارنده اطلاعات پایه و نسبتاً جامعی از موضوع مورد نظر است، خواننده را با این دو گرایش آشنا نموده، قادر می‌سازد که خود درباره ابن سینا قضاوت کند. مقاله سوم این بخش، گزارشی است کوتاه و تا حدی فنی از روایتی طبیعت‌گرایانه در فلسفه اخلاق معاصر - که در اساس، موضع غالب متکلمان امامیه را در برابر فیلسوفان مسلمان، تقویت می‌کند - و اشکالات آن.

۱. سردبیر و ویراستار این مجموعه جسارت کرده، گشاده‌دستانه دست تصرف و ویرایش ساختاری و محتوایی و زبانی در بیشتر مقالات برده است و سپس آنها را به محضر صاحب‌قلمان برده، تا با نظر آنان، نسخه نهایی مقالات فراهم آید. با وجود این، سردبیر الزاماً محتوای مقالات را تأیید نمی‌کند و صحت مطالب آن برعهده نویسندگان آنهاست. لازم به ذکر است که عنوان مقالات مستثنا از این فرایند، با علامت ستاره (*) مشخص شده است.

کار اصلی ما در بخش مقالات اختصاصی فلسفه اخلاق ابن سینا، بازخوانی و صورت‌بندی آراء ابن سینا و متفکران مسلمان پس از او با زبان فلسفه اخلاق معاصر بوده است. چنان که گذشت، هفت مقاله این بخش، به فرا - اخلاق سینوی اختصاص یافته است، که از این میان، دو مقاله، به تفسیر و ارزیابی نظریه سینوی آراء محموده پرداخته است؛ سه مقاله، نحوه تفسیر و پی‌گیری و نقد آراء ابن سینا را در بین فیلسوفان و اصولیان پس از وی، مرور کرده است؛ یک مقاله، از موضع کلامی، به نقد ابن سینا پرداخته است؛ و یک مقاله، تصحیح و ترجمه متنی است از یکی از بزرگ‌ترین مدافعان نظریه امر الهی در جهان اسلام، یعنی ملاعلی قوشجی. در بخش نخست این متن، که برگرفته از میرسید شریف جرجانی در شرح مواقف است، به نحو درخشانی، مباحث معناشناختی (semantic)، وجودشناختی (ontologic) و معرفت‌شناختی (epistemologic) اخلاق از یک‌دیگر تفکیک شده است، کاری که امروزه فیلسوفان تحلیلی انجام می‌دهند، اما متأسفانه در میان نویسندگان ما به فراموشی سپرده شده است.

این سه مبحث را اهل فرنگ، فرا - اخلاق (meta ethics) خوانده‌اند تا آن را از آنچه اخلاق هنجاری (normative ethics) می‌نامند (یعنی پرسش‌هایی از این دست که معیار عمل خوب چیست و معیار عمل بد چه؟ و فی‌المثل، آیا هر عملی که نتایج مفیدی داشته باشد خوب است، یا برخی افعال با قطع نظر از نتایجشان خوب‌اند؟) متمایز سازند. بنابر این، پرسش‌های فرا - اخلاقی، پرسش‌هایی است درباره مفاهیم و احکام اخلاقی، اما پرسش‌های اخلاق هنجاری، از معیار کلی خوب و بد بودن اعمال می‌پرسد. توجه به این نکته حایز اهمیت است که در سنت فکری - فلسفی ما در حوزه اخلاق، صفات اخلاقی بیش از اعمال اخلاقی مورد توجه بوده است. به اعتقاد ابن سینا اخلاق، جمع خُلق به معنای خوی، عبارت است از آن ملکات نفسانی، که مبدأ رفتارهایی است که بدون تأمل از انسان سر می‌زند. عمل نیک میوه و ثمره خُلق و

خوی نیک است و عمل زشت نتیجه خُلق و خوی ناپسند. بنابر این، در اخلاق باید به اصلاح ملکات پرداخت، تا میوه‌ها نیز به صلاح آید. و این لطیفهٔ بس ارجمندی است که در این زمانه، سخت مغفول افتاده است. در هر حال، پرسش از معنای جملات و اظهارات اخلاقی، منطقاً مقدم بر سایر پرسش‌هاست؛ پرسش اصلی این است که: جملات اخلاقی، چون «عدل نیکوست» و «ظلم بد است»، ابراز حالات شناختی ذهن، چون باور، است یا ابراز حالات غیرشناختی نفس، چون حبّ و بغض؟ به بیان دیگر، جملات مشتمل بر محمولاتی چون خوب و بد، اخباری است یا انشائی؟ سپس نوبت به وجودشناسی و مابعدالطبیعه می‌رسد: اگر جملات و اظهارات اخلاقی، اخباری است، از چه خبر می‌دهد؟ از واقعیاتی آفاقی در جهان خارج، یا از اموری انفسی چون توافق عقلاء، یا از خواست خداوند؟ چنانچه از واقعیتی آفاقی در جهان خارج خبر می‌دهد، این واقعیت از چه سنخی است؟ از سنخ امور طبیعی و مابعدالطبیعی یا اموری منحصر به فرد و یگانه و غیرمسانخ با دیگر واقعیات آفاقی؟ و ... التزام به هر یک از گرایشها در مقام پاسخ به پرسشهای مابعدالطبیعی، پرسشی معرفت‌شناختی در پی دارد: چگونه می‌توان آن را شناخت؟

اینها مهم‌ترین پرسشهای نویسندگان در بخش فرا - اخلاق بوده است که پاسخ آن را از فیلسوفان و اصولیان خواسته‌اند، و تحریر کرده‌اند (لله دُرُّهم). در نهایت، از تمام صاحبان فضل و فضیلت که ما را در این راه یاری کردند، صمیمانه سپاس‌گزاری می‌کنیم و امید می‌بریم که گامهای نخستین ما در این مسیر، گامهای استواری را در پی داشته باشد و در آینده‌ای نه چندان دور، شاهد احیای بحث و فحصهای عالمانه در زوایا و بطون مسایل اخلاقی باشیم.

بمنّه و کرمه، و آخر دعوانا أن الحمد لله ربّ العالمین
سیدعلی طالقانی